

## بصره

یکی از قدیمی ترین و آبادترین شهرهای اسلامی است که هنوز باقی می‌باشد. در ابتداء اردو گاه عرب بود و میان آن لشکر گاه تا مدینه بدستور عمر آبی وجود نداشت، چه که از کرانه غربی فرات تا مکه زمین ریگزار و کوه و صحراست و رودی فاصله نمی‌شود در سال ۱۶ هجری عتبه بن غزو ان کلبه‌هایی از نی در آنجا ترتیب داد و سپس از بیم آنکه مبادا آتش سوزی شود با اجازه عمر، نی را بخشید تبدیل کردند و شهر کوفه که بعد اراجع بآن صحبت می‌داریم نیز چنین بوده است. شهر بصره در آغاز چند کوی بود و هر قبیله‌ای در کوی خود می‌زیستند و سیعترین خیابان بصره شصت ذراع بود و آنرا امر بدنامیدند، سایر خیابانها بیست ذراع و کوچه‌ها هفت ذراع عرض داشته است، در میان هر کوی میدانی برای بستن اسب‌ها و گورستان ترتیب دادند و بنای خانه‌ها را متصل یکدیگر ساختند، چون بصره دارای موقعیت تجارتی و رابط ایران و شام بود لذا بسرعت روبه آبادی گذارد و در زمان بنی امیه حاکم نشین عراق شد و بروسعت و آبادیش افزوده گشت بقسمی که در زمان خالد بن عبدالله قسری مساحت آن تا دو فرسخ در دو فرسخ رسید و در واقع تاسی و شش میل مربع بدون پستی و بلندی در زمین هموار بصره خانه و مغازه و سایر ابنیه دیده می‌شد و این مساحت از مساحت شهر فعلی قاهره با آبادی و وسعت کم نظیر آن افزون‌تر می‌باشد.

در زمان عباسیان بصره مرکز مهم تجارتی اسلام گشت و خط کشتیرانی و کاروان تجارتی از مشرق بصره تا هند و چین و از مغرب تا انتهای بلاد مغرب و از جنوب تا حبشه امتداد یافت و در لنگر گاه آن همه روزه کشتی‌های بسیار لنگر می‌افکند و انواع کالاها از قبیل پارچه و عطر و چوب و غیره حمل می‌کرد. بیشتر آبادی بصره بواسطه مردمی بود که برای کسب و تجارت با شهر می‌آمدند و در آنجا خانه و باغ و دریاچه و کاخ و میدان می‌ساختند. ابن حوقل در وصف بصره چنین می‌گوید:

« این شهر دارای منظره‌های زیبا، میدانهای وسیع مجلل، دریاچه‌های وسیع و خانه‌های عالی و میوه‌های نغز خوش می‌باشد و هیچگاه روی آب بصره از مردم خوشگذران خالی نیست و پیوسته آیندگان و روندگان در فراز و نشیب حرکت می‌کنند ».

آبهای بصره مرتباً لنگر گاه صدها کشتی بوده است و در جای دیگر این کتاب گفته شد که يك تاجر اهل بصره سالی صد هزار دینار مالیات میداد و میزان ثروت سایر تجار آن شهر را میتوان از این رود دانست، چون در آن شهر بازرگان خرد و کلان بسیار بوده است.

مردم بصره از همان ایام بجهانگردی از نظر تجارت معروف بودند تا حدی که سود طلبی و کوشش آنان در راه تجارت ضرب المثل شده در باره آن میگفتند: اهل بصره و خوزستان برای بازرگانی تا دورترین نقاط دنیا میروند و هر کس از مشرق بفرغانه و از مغرب به سوس اقصی (در افریقا) رود در آن نواحی یکی از اهل بصره یا خوزستان یا حیره را خواهد دید و در واقع مردم آنروز بصره مانند اهالی سوریه امروز بودند که اینان هم چون نیاکان خود (فینیقیان) بمنظور تجارت تا همه جا میروند.

در جلد اول تاریخ تمدن در ضمن صحبت از وسعت شهر بصره گفته شد که بنا بقول استخری در زمان بلال بن ابی برده در سال ۱۱۸ هجری ۱۲۰ هزار نفر در زمینهای بصره جاری بود و بر روی همه آن نهرها کرجی حرکت میکرد اتفاقاً استخری در صحت این موضوع شك یافته شخصاً در قرن چهارم هجری بصره رفته است و آنچه را که بچشم خود دیده چنین نقل میکند:

« من شماره نهرهای بصره را آنطور که شنیده بودم باور نمیتوانستم، تا اینکه خود به بصره آمدم و اراضی وسیعی در بصره دیدم که در مساحت يك تیر پر تاب نهرهای کوچکی در آن حفر کرده بودند و کرجیهای بسیاری روی آن نهرها حرکت میکرد و هر نهری بنام شخصی که آنرا حفر کرده یا محلی که از آنجا میگذشت منتسب شده است و چون این بدیدم باور کردم که در مساحت بصره صد و بیست هزار نهر جاری میباشد. بعلاوه ابن حوقل نیز شماره نهرهای بصره را صد و بیست هزار ذکر نموده است. با همه این احوال از زیادی نهرهای بصره در تعجب بودم تا اینکه بمرد دانشمندی از مردم بصره برخوردیم که سالیان دراز در آن شهر بوده و از جزئیات آن شهر اطلاع داشته است و همینکه تردید خود را در باره شماره نهرها بیان کردم آن مرد گفت که نهرها نزدیک بهم کننده میشود و بمجرای کوتاهی منتهی میگردد بقسمی که هر شاخه از

آن را نهر همیخوانند . پس از شنیدن این تفصیل باور کردن آن شماره بر من (استخری) آسان گشت . نکته دیگر اینکه مساحت خود شهر بصره به تنهایی سی و شش میل مربع نبوده بلکه باغها و مزرعهها و نخلستانهای توابع آن که تا آبادان در کنار خلیج فارس امتداد داشته جزء این مساحت در میآمده است و البته با رعایت آبادی و حاصلخیزی اراضی مجاور بصره میتوان تصدیق کرد که مساحت شهر بصره و توابع آن به سی و شش میل مربع میرسیده است. مؤید این گفتار نوشتههای ابن حوقل و استخری درباره بصره است که چنین مینویسند :

« نخلستانهای بصره از عبدسی تا آبادان بطول پنجاه و چند فرسخ بهم پیوسته است و هر جا که انسان در طول و عرض این مساحت فرود بیاید کنار نخلستان یا باغ یا نهر آب است . »

حال اگر عرض این مساحت را نصف طول آن فرض کنیم هفتاد و پنج میل در صد و پنجاه میل و یا  $11/250$  میل مربع مساحت بدست میآید و بودن ده نهر کوچک در هر میل مربع چیزی نیست که قابل تردید باشد

این شهر چند ماه پس از بصره بدست سعد وقاص بنا گشت  
**کوفه** و در علت پیدایش آن چنین گفته اند : که پس از شکست ایرانیان و تسخیر شهر مداین (تیسفون) بدست اعراب سعد وقاص فرمانده سپاهیان اسلام چند صحابی نزد عمر فرستاده تا مرده فتح را بدو ابلاغ کند ، عمر فرستادگان سعد را زرد و زار و تزار دید و همینکه سبب را پرسید گفتند : بدی آب و هوای عراق ما را چنین کرده عمر فرمان داد سرزمینی برای اقامت مسلمانان در نظر بگیرند که با مزاج آنان سازگار باشد و اتفاقاً در هر جایی که شتران اعراب خوش و سالم باشند خود آنان نیز در آنجا سلامت خواهند زیست ، باری سعد و قاص بدستور عمر با کمک سلیمان و حذیفه زمینی در کنار فرات (میان حیره و فرات) برای اردوگاه انتخاب کرد که هوای آن مطابق فرمان عمر بری و بحری است و تا شهر مدینه رود و دریاچه ای فاصله ندارد و در آغاز خانهها را از نی ساخت که شبیه بچادر بود ، اما پس از اندی آتش سوزی در گرفت و مقداری از خانه های نیین سوخت .

مسلمانان با اجازه عمر خانه‌های نخستین ساختند ولی مطابق فرمان عمر بنای آنرا بلند نکردند و هیچ کس حق نداشت بیش از سه اطاق مالک شود.



نمونه‌ای از ظروف سفالین قرن ششم هجری

شهر کوفه نزد شیعیان مقامی ارجمنده دارد چه که حضرت امیر (علی علیه السلام) آنرا پای تخت قرار داده و در همانجا بدرجه شهادت رسید.

نخستین شهر مسلمانان در مصر فسطاط است و آنرا عمرو عاص

در سال ۱۸ هجری در محلی که اکنون قاهره و مصر قدیم

فسطاط

است بنا نمود و اکنون چیزی از آن بجا مانده جز خرابه‌های

مسجد عمرو و پاره‌ای تل‌ها و ویرانه‌ها که تا کوه مقطم امتداد می‌یابد، سپه‌هیبت اسلام

برای تسخیر قلعه بابل باین محل آمده اردو زدند و همینکه آن قلعه را گشودند عازم اسکندریه شدند. قلعه بابل در این ایام بدیر نصاری یادیرمار جرجس شهرت دارد باری همینکه عمروعاص عزیمت اسکندریه نمود فرمان داد سرا پرده (فسطاط) او را برکنند و مأمورین که برای برکندن فسطاط رفتند دو کبوتر را درون آن دیدند که تخم گذارده اند و روی آن نشسته اند، مأمورین این جریان را با اطلاع عمروعاص رساندند، عمروعاص را بر آن کبوتران رحم آمده فرمود سرا پرده او را باقی گزارند و چند قبلی را بمواظبت سرا پرده و کبوتران گماشته خود با اسکندریه رفت و همینکه آنجا را گشود نامه ای به عمر نگاشت و از وی اجازه خواست که سپاهیان اسلام را در اسکندریه نگاه دارد اما چون میان اسکندریه و مدینه رود نیل فاصله بود عمر مطابق معمول با آن پیشنهاد موافقت نکرد و در جواب عمروعاص مرقوم داشت که این پیشنهاد مرا خوش نیامد زیرا دوست ندارم در تابستان و زمستان میان من و مسلمانان آبی فاصله باشد بلکه ما یلم جانی مسلمانان اقامت کنند که هر گاه بخواهم بر مرکب خود سوار شده بلا مانع نزد آنها بیایم، عمروعاص پس از دریافت این پاسخ عده ای از سپاهیان را در اسکندریه ساخلو قرار داده و باقیه لشکر بقلعه بابل باز آمد و چون بدانجا رسید کبوتران بسیاری دید که در سرا پرده وی تخم گذارده و جوجه در آورده بودند، عمرو در شمال قلعه بابل شهری بنا کرده بمناسبت سرا پرده خود فسطاط آن شهر را نیز فسطاط نامید و از آن پس قبیله ها یکدیگر پیوسته، لشکریان در آن نواحی برای خود خانه ها ساختند و چهار نفر از بزرگان لشکر بدستور عمروعاص مأموریت یافتند که هر طایفه و قبیله ای را در محلی قرار دهند و هر قدر دامنه فتوحات اسلامی در مصر و اطراف آن توسعه پیدا کرد بهمان نسبت هم بر آبادی و وسعت شهر فسطاط افزوده شد تا حدی که طول آن بر کرانه رود نیل تا سه میل رسید. تاریخ نویسان عرب مطالبی در باره وسعت و آبادی فسطاط نوشته اند که تا حدی خالی از اغراق نمیباشد، از آن جمله برای فسطاط ۳۶ هزار مسجد ۱۱۷۰ حمام و هشت هزار کوچه ذکر نموده اند که در تمام آن کوچه ها مرتب آمد و شد بوده است، گرچه این ارقام قدری مبالغه دارد ولی در هر حال از آبادی و عظمت فسطاط حکایت میکند. شریف عقیلی از شعرای آنروز فسطاط اشعار ذیل را در وصف فسطاط

سروده است :

ترجمه اشعار :

« از برای دیدن فسطاط بآتش شوق و اشتیاق میسوزم ، فسطاط بیاران نیاز ندارد چه که نیل بهتر از هر بارانی است و از کنار آن میگذرد و باغهای آنرا شاداب و خرم میدارد ، فسطاط عروسی است که کوه مقطم تاج آن و رود نیل گردن بند مروارید آن میباشد. »

بزودی جمعیت فسطاط روفزونی گزارد و ناچار خانه ها را پنج طبقه و هفت طبقه بنا کردند و هزینه ساختمان بعضی از خانه ها تا ۷۰ هزار دینار میرسید و چه بسا که در يك عمارت چند طبقه بیش از دوست نفر منزل داشتند و از جمله عماران مهجّل فسطاط حرم سرای خماریه بود که هزینه بنای آن هفتصد هزار دینار شد ، دیگر از خانه های زیبا و با عظمت فسطاط سرای عبدالعزیز بوده است که روزی چهارصد مشك ( راویه ) آب در آن خانه مصرف میشد و بنا بنوشته یکی از مورخین شاتر ده هزار سطل باقر قره و طناب از پنجره های این عمارت برود نیل آویخته بود و هر روزه با آن سطل ها برای مصرف عمارت عبدالعزیز آب بالا میکشیدند . مسافری که در اواخر قرن سوم هجری ( در زمان خماریه پسر احمد بن طولون ) به فسطاط آمده از عظمت و آبادی شهر چنین میگوید :

« اتفاقاً مرا بصنعت گری احتیاج افتاد و هر چه جستجو کردم در آن شهر صنعتگری کاری نیافتم در صورتیکه هفتاد هزار صنعتگر در آن شهر کار میکنند و هر صنعتگری دوسه شاگرد دارد و این شاگردان غیر از خدمتگاران هستند که کار صنعتگران را انجام داده مرخص میشوند دیگر از داستانهای مربوط به عظمت و توانگری شهر فسطاط و مردم فسطاط موضوع تعداد بسترها و فزونی اثاث خانه ها است و چه بسا که یک نفر از اهل فسطاط هزار یا ده هزار بستر داشته است » و بنا بر گفته یکی از مورخین مردی از اهل فسطاط سیصد بستر داشته که هر بستری مخصوص به يك هم خوابه وی بوده است .

قضای مورخ میگوید : « در ضمن جهیزیه قطر الندی دختر خماریه هزار بند شلوار بود که هر بندی ده دینار میارزید » و با این وصف تنها بهای بند شلوارهای این بانوی مصری بده هزار دینار بالغ میشد.

مقریزی و سایر تاریخ نویسان مطالب مفصلی از خوراکیها و نوشابه‌ها و سایر تجملات گوناگون مردم فسطاط نگاشته‌اند که نقل همه آن در این کتاب موجب طول کلام خواهد شد.

ابوجعفر منصور عباسی در سال ۱۴۵ هجری آن را بنا کرده،

بغداد

پای تخت خود ساخت و تا کنون آن شهر باقی است ولی محل شهر تا بحال چند مرتبه تغییر کرده است و موجب ایجاد آن شهر چنان بود که سفاح نخستین خلیفه عباسی و برادرش منصور کوفه را برای اقامت خود برگزیدند، چه که آن شهر بعراق و ایران که محل و مرکز یاران آنها محسوب میشد نزدیک بود، سپس منصور در نزدیکی شهر انبار شهری بنام هاشمیه بنا کرد و اقوام و کسان خود را از علوی و عباسی که هاشمی نژاد بودند بدان شهر کوچ داد و برادرش سفاح نیز به هاشمیه آمد و همانجا در گذشته بنحاک رفت و قبرس هم اکنون در آنجا است، منصور چند سال دیگر در آن شهر ماند ولی اجتماعی بنام راوندیه در هاشمیه بر منصور شوریدند و منصور از شهر هاشمیه متنفر شده در صدد برآمد شهر تازه‌ای بنا کند و از هاشمیه برود و پس از جستجوی فراوان سرزمین بغداد را پسندیده آنجا را شهر کرد که بمدینه منصور و روبا شهر بغداد معروف شد.

ساختمان شهر بغداد در ساحل غربی دجله بشکل مدور آغاز گردید و در اطراف آن خانه‌هایی برای غلامان و ملازمان ساختند و چون نوبت خلافت بمهدی رسید لشکرگاه خود را در کرانه شرقی دجله قرارداد و آن محل به عسگر مهدی موسوم شد و تدریجا اعیان و اشراف دولت بدان محل منتقل شده خانه‌ها و عمارت‌های عالی برای خود بنا کردند و دربار خلیفه نیز بطرف مشرق دجله انتقال یافت و در دو طرف مشرق و مغرب دجله باغها و عمارت‌ها احداث گشته طرف شرقی را رصافه و طرف غربی را کرخ نامیدند

در زمان مأمون شهر بغداد به منتهای درجه وسعت و عظمت رسید و مساحت آن به پنجاه و سه هزار و هفتصد و پنجاه جریب بالغ شد که بیست و شش هزار و پنجاه جریب آن در طرف مشرق دجله و بیست و هفت هزار جریب در طرف مغرب بوده است و اگر

هر جریبی را ۳۶۰۰ ذرع فرض کنیم مساحت شهر بغداد آنروز بالغ بر ۱۶ هزار فدان میشد که البته مساحت بسیار بزرگی میباشد و در تمام این مساحت باغها و عمارت‌های نیکو ایجاد شده بود. خطیب بغدادی مورخ میگوید: «شهر بغداد از چهل شهر تشکیل مییافت که بهم متصل بوده است و ۶۵ هزار حمام داشته است» مؤلف سیر الملوك در توصیف آبادی بغداد میگوید: «که این شهر شصت هزار گرمابه داشته و در هر گرمابه لا اقل ۵ نفر کار میکردند و با این حساب سیصد هزار تون تاب و دلاک و زباله کش فقط در حمام‌های بغداد مشغول بوده اند. مؤلف مزبور در مقابل هر گرمابه پنج مسجد ذکر نموده و شماره مساجد بغداد را سیصد هزار دانسته است و بطور متوسط برای هر مسجد پنج نماز گزار فرض کرده و از آنروز نماز گزاران شهر بغداد را يك میلیون و نیم دانسته است.



کاسه سفالین ساخت قرن ششم هجری

ولی بطور کلی این ارقام با موازین علمی و ریاضی درست در نمیآید و فقط از عظمت و آبادی بغداد آنروز نموداری میباشد و از تمدن عالی آن روز مسلمانان حکایت میکند.

طبری میگوید: «در سال ۲۵۵ شورش در بغداد واقع شد و هنگام شورش صد هزار



نفر از روی دجله عبور کردند. این گفته طبری خود دلیل دیگری بعظمت و آبادی بغداد آنروز است، چه اگر صد هزار نفر از دجله عبور کرده اند لااقل ده برابر این عده از دجله نگذشته اند و از آنرو میتوان جمعیت شهر را دو میلیون یا یک میلیون و نیم تصور کرد و طبعاً در اطراف شهر نیز دهها و آبادیهائی بوده که جمعیت آن بر آن تعداد افزوده میشود.

ابن حوقل که در قرن چهارم هجری بغداد را دیده در وصف آن چنین میگوید: «آبادی بغداد و کوفه بهم پیوسته است و نهرهای فراوانی از رود دجله جدا شده باطراف جاری میشود».

مسلمانان بجز بصره و کوفه و بغداد شهرهای دیگری نیز بنا کرده اند که از آن جمله قیروان (در آفریقا) واسط (در عراق) میباشد و از آن گذشته مسلمانان شهرهای بسیاری را در مصر و عراق و شام و ایران و غیره فتح کرده بروسعت و آبادی آن افزودند و شهرهای دمشق (در شام) اسکندریه (در مصر) قرطبه و غرناطه و طایطه (در اندلس) از جمله آن شهرها میباشد و امید است که در ضمن تشریح اوضاع اجتماعی مسلمانان آنروز مطالبی درباره تمدن و آبادی آن شهرها و مردم آن بنگاریم.

پایان جلد دوم

## فهرست اسامی

### حروف الف

ابن عمار ۱۷۰	آبادان ۴۸-۹۸-۲۲۰
ابن رائق ۱۷۳	آذربایجان ۲۸، ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۶۸
ابن الجصاص ۲۲۳	۱۱۴، ۱۵۱، ۱۷۸
ابوبکر ۱۲، ۱۳، ۱۶۵، ۱۷۳	آران ۴۸
ابوالحسن ۱۵۸، ۱۹۳	اردبیل ۵۶
ابومسلمه ۲۰۲	آلمان ۱۲۱
ابومسلم ۳۷، ۲۰۲	آمل ۵۷، ۵۸
ابودلامه ۳۷	آسیا ۴۷، ۵۰
ابن طولون ۱۰۲، ۱۷۱	آلبانی ۱۲۱
ابن طاهر ۱۷۹	ایازر ۱۸، ۱۹، ۱۷، ۱۶۵
ابن ابومریم ۱۵۸	اباهریره ۱۱
ابویوسف ۲۸	ابن اشعث ۱۷، ۲۱، ۲۴
ابونواس ۱۵۸	ابن اثیر ۷۹
ابوالعتاهیه ۹۷	ابن حوقل ۴۶، ۴۷، ۱۰۰، ۱۱۳
ابوطالب ۱۸۵	۱۶۹، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰
ابراهیم ۱۳۶	ابن خردادبه ۴۶، ۶۱، ۶۳، ۶۴، ۶۶
اتامش ۱۵۶	۷۰، ۷۱، ۷۸، ۸۲، ۱۱۳، ۱۴۴
اتازونی ۱۲۱	۱۴۶
اتریش ۱۲۱	ابن خلدون ۴۶، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳
احسن التقاسیم ۱۰۹، ۱۱۶	۶۴، ۶۶، ۷۰، ۷۱، ۸۱، ۱۲۱
احمد ۱۳۰، ۱۳۶، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۵، ۸۴	۱۳۳، ۱۹۶، ۲۱۱
اخنا ۲۲	ابن حبیب ۱۰۳
ادوارد ۱۷۳	ابن زیاد ۲۷
استامبول ۱۰۳، ۱۵۹	ابن قرات ۱۹۵، ۲۰۲
اسپانی ۴۹، ۱۲۱، ۱۲۷	۱۹۲
اسامه ۳۵	ابن مقله ۱۹۲
استخری ۴۷، ۵۰	ابن خلکان ۶۰
اصفهان ۵۳، ۵۶، ۷۶، ۱۱۱، ۱۳۷	ابن زیات ۱۶۴، ۱۹۲
۱۹۱	



۵۰، ۴۹، ۷۷، ۳۸  
 حماد ۱۲۴  
 حکم ۴۵  
 حیان ۳۰، ۳۴  
 حیره ۲۲۰  
 حیدرآباد ۵  
 خ  
 خالد ۲۰۴، ۲۱۸، ۳۳، ۱۴۵  
 خاقانی ۱۹۳، ۲۰۲، ۱۹۲  
 خراسان ۵۸، ۶۷، ۷۹، ۷۶، ۵۷  
 ۲۹ ۱۹۸، ۲۰۴، ۱۷۸، ۳۶، ۸۸  
 ۱۷۶، ۳۳، ۴۰، ۴۴، ۱۲۴، ۱۲۷  
 ۱۲۸، ۱۶۸، ۹۵، ۱۰۰، ۱۱۶  
 خزر (دریا) ۵۷، ۱۶۹ ۱  
 خلیج فارس ۹۸، ۱۶۴  
 خارویه ۲۲۳  
 خوارزم ۵۸  
 خوزستان ۲۱۹، ۲۷، ۵۶، ۱۰۳  
 ۱۵۷  
 خیزران ۱۵۵، ۱۵۶  
 د  
 دامغان ۸۷  
 داود ۱۵۹  
 دجله ۶۲، ۵۲، ۹۹، ۹۸، ۸۸، ۲۲۴  
 دماوند ۱۵۲، ۱۳۶، ۶۱  
 دعبل ۴۱  
 دمشق ۳۷، ۱۰۰، ۱۱۰، ۵۰، ۶۰  
 ۸۰، ۶۹  
 دنیور ۶۲

تفلیس ۵۶، ۶۵  
 تونس ۴۹  
 تکریت ۷۶  
 ج  
 جاحظ ۲۱  
 جبرائیل ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۲۱۳  
 جراح ۲۹  
 جرجیس ۲۲۲  
 جزیره ۵۱، ۵۲  
 جزایر ۹۴  
 جبل طارق ۴۹  
 جیرفت ۵۴  
 جراب الدوله ۶۱  
 ۳۳  
 ۱۷۶  
 جیحون ۵۸  
 جوهر ۱۰۹  
 چ  
 چین ۴۱۸، ۱۲۱، ۱۱۰  
 ح  
 حامد ۲۰۳  
 حارت ۳۰  
 حجاج ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶  
 ۲۹، ۳۳، ۱۱۳، ۹۸، ۹۹، ۱۰۵  
 حجاز ۱۶۳، ۹۰، ۶۹  
 حسن ۸۳، ۱۵۰، ۱۱۰  
 حسین ۲۰۳، ۱۶۹  
 حنین ۱۷، ۳۵  
 حلوان ۷۶، ۶۷

## سمرقند ۵۸

سند ۵۴، ۵۸، ۶۴، ۶۷، ۹۴

## سهل ۱۱۵

سلیمان ۳۳، ۹۵، ۲۰۳، ۲۲۰، ۲۵۳

## ۱۱۶

سودان ۱۱۲، ۹۴

سوریه ۱، ۱۱۱، ۹۴، ۲۱۹

سیراف ۲۱۳

سیرجان ۵۴

سیستان ۶۷، ۷۶، ۵۴، ۵۷، ۵۸

## ش

شام ۱۱، ۱۸، ۲۳، ۴، ۱۱۰، ۱۱۱

۵۰، ۵۱، ۱۶۸، ۱۱۴، ۳۴، ۳۶

## ۹۱

شاهک ۱۸۱، ۱۵۶

شبلی ۵

شاهپور ۵۴

شریف ۲۲۲

شهرزور ۵۲، ۵۶، ۷۹، ۷۶

شیراز ۵۳، ۱۰۹

شیرزاد ۱۸۷

شوش ۵۳

## ص

صلاح الدین ۱۴۷

صنعا ۱۱۲

## ط

طاهر ۱۷۸، ۲۰۴

طبری ۱۸۰

طبرستان ۶۸، ۷۶، ۵۷

طوران ۵۴، ۵۵

طسوج ۷۲، ۷۳

طرابلس ۹۴



رامهرمز ۵۳

راضی ۱۷۳، ۴۳

رینه ۱۸

ریه ۴۹

رضایه ۵۶

ربیع ۱۶۲، ۲۰۵

رصفه ۲۲۴

روسیه ۱۸۰، ۹۴، ۱۲۱

روم ۲۱۵

رویان ۵۷

ری ۱۵۲، ۱۶۲، ۵۶، ۶۸، ۷۶

## ز

زبیده ۴۴، ۱۲۸، ۱۷۵

زبیر ۱۷

زنجان، ۱۵۲

زهراء ۱۳، ۲۱۶

زهیر ۱۰۴

زیاد ۲۰

زویله ۴۹

## س

سامره ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۶، ۲۱۶، ۱۸۰

ساوه ۱۳۷

سالم ۱۶

سعد ۱۴، ۲۳۰

سلیم ۱۱۶، ۱۱۸

سند ۵۸، ۱۲۸

سقاج ۲، ۴۲، ۱۷۸، ۱۵۵، ۱۲۳

۲۲۴، ۱۳۲

سفیان ۱۶۴

سرخس ۵۸

۱۸۵ ، ۱۷۸ ، ۱۶۵ ، ۱۵۳ ، ۱۵۲  
 ۲۰۳ ، ۲۰۹ ، ۱۹۹ ، ۱۹۸ ، ۱۹۳  
 ۲۲۱ ، ۲۱۶  
 عمان ۱۳۶  
 عتبه ۴۰  
 عنوان السیر ۱۴۲  
 هبسی ۱۷۵ ، ۱۶۳ ، ۱۳۲ ، ۱۲۵ ، ۱۷۱

## غ

غرناطه ۲۱۰

## ف

فارس ۲۱۴ ، ۲۰۷ ، ۱۵۴ ، ۱۵۳ ، ۲۶  
 ۷۹ ، ۱۴۴ ، ۳۱۳  
 فاطمه ۱۷۶  
 فرات ۱۵۳ ، ۱۳۹ ، ۹۸ ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۵۲  
 ۲۲۰ ، ۲۱۸  
 فرانسه ۱۸۰  
 فرغانه ۲۱۹  
 فسطاط ۲۱۶ ، ۲۱۴ ، ۲۲۴ ، ۲۲۱ ، ۴  
 ۲۲۳ ، ۲۱۰ ، ۲۳  
 فضل ۲۱۰ ، ۲۰۲ ، ۱۷۶ ، ۱۶۹ ، ۱۶۸  
 فلسطین ۱۳۸ ، ۹۴ ، ۸۰ ، ۶۹

## ق

قائم ۱۹۲  
 قاهره ۲۲۱ ، ۲۱۸ ، ۲۱۶ ، ۲۱۰ ، ۱۰۳  
 قباد ۹۸  
 قبرص ۱۳۷  
 قبیحه ۱۵۵  
 قدامه ۶۴ ، ۸۸ ، ۸۲ ، ۴۶  
 قرآن ۱۶۴ ، ۱۳۰  
 قرطبه ۲۱۰

عباس ۳۷  
 عباسه ۱۷۶  
 عبدالله ۱۰۷ ، ۱۰۱ ، ۹۸ ، ۳۵ ، ۲۳  
 ۱۷۹ ، ۱۳۲ ، ۱۸۷ ، ۱۹۳ ، ۱۶ ، ۶۶  
 ۲۰۳ ، ۲۲  
 عبدالملک ۱۳۲ ، ۶۰ ، ۲۶ ، ۲۵ ، ۲۳  
 ۱۸۷  
 عبدالعزیز ۲۲۳ ، ۲۴  
 عتبه ۳۱۸  
 عدن ۲۰۰ ، ۱۱۲ ، ۱۱۰  
 عثمان ۲۹ ، ۱۹ ، ۱۸ ، ۱۷ ، ۱۶ ، ۱۵  
 ۱۶۵ ، ۱۰۱ ، ۴۵  
 عثمانی ۱۲۱  
 عرفات ۴۰  
 عراق ۱۰۶ ، ۲۱۴ ، ۲۲ ، ۱۰۵ ، ۴  
 ۲۳ ، ۲۱۵ ، ۱۰۷ ، ۲۸ ، ۲۱۶ ، ۱۰۸  
 ۳۳ ، ۲۱۸ ، ۱۰۹ ، ۳۴ ، ۲۲۰ ، ۱۱۰  
 ۳۶ ، ۲۲۴ ، ۱۱۴ ، ۳۷ ، ۵۲ ، ۵۳  
 ۳۹ ، ۱۱۵ ، ۱۳۱ ، ۸۸ ، ۵۶ ، ۱۴۴  
 ۹۰ ، ۵۷ ، ۱۴۵ ، ۱۹ ، ۶۱ ، ۶۶ ، ۹۴  
 ۹۵ ، ۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۹۷ ، ۱۶۸ ، ۹۸  
 ۱۶۹ ، ۹۹ ، ۱۸۸ ، ۱۰۰ ، ۱۹۵  
 ۱۰۴  
 عربستان ۱۳۱ ، ۹۴ ، ۹۱  
 صرد ۱۶۸ ، ۱۱۴ ، ۱۰۱ ، ۲۴ ، ۲۲  
 ۲۲۲ ، ۲۲۱ ، ۲۱۳  
 صر ۲۹ ، ۲۸ ، ۲۶ ، ۲۰ ، ۱۹ ، ۱۷ ، ۱۵  
 ۳۰ ، ۳۱ ، ۱۰۱ ، ۱۰۵ ، ۱۴۹ ، ۱۶۶  
 ۲۲۱ ، ۲۱۸ ، ۲۰۵ ، ۱۹۸ ، ۱۶۸  
 ۵۳ ، ۲۲۲  
 علی ۱۱۰ ، ۸۳ ، ۳۸ ، ۲۸ ، ۱۹ ، ۱۸  
 ۱۴۳ ، ۱۴۲ ، ۱۳۴ ، ۱۲۲ ، ۱۱۴

قزوین ۵۷، ۵۶، ۷۶، ۷۹، ۱۵۲

قطر الندی ۲۲۳

قم ۱۵۲

قتسریں ۸۰، ۷۷، ۵۰

قققاز ۹۴، ۵۶

قونیه ۱۶۱

قیروان ۲۱۰

## ک

کافور ۱۸۵

کرمان ۵۴، ۱۱۱

کرخ ۲۲۴

کسکر ۶۱، ۹۸

کرومر ۶۳، ۱۴۲، ۱۳۴

کعبه ۴۰، ۳۹، ۳۸

کلوت ۱۰۰، ۱۰۱

کوفه ۱۹۳، ۱۳، ۱۶۲، ۲۲۴، ۹۸، ۴

۲۲۱، ۲۱۶

گرگان ۵۲، ۱۱۵

گیلان ۵۷

لبنان ۱۰۷

ماردانی ۱۹۵

ماوراء النهر ۱۷۹، ۱۲۹، ۲۴، ۵۸

۱۳۴، ۱۱۱، ۱۰۰

بامون ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۷۱، ۱۶۸، ۱۶۵

۴۲، ۴۰، ۳۹، ۳۵، ۲، ۲۱۴، ۱۹۸

۱۱۷، ۱۱۵، ۴۵، ۱۸۷، ۴۴، ۱۱۰

۹۶، ۱۳۰، ۸۸، ۱۲۹، ۸۱، ۱۱۸، ۴۶

۱۰۹، ۱۰۸، ۱۴۷، ۱۴۴، ۱۰۶، ۱۳۳

۱۵۴، ۱۶۰، ۱۵۰

متوکل ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۳۳، ۸۶

مختار ۳۶، ۳۵، ۲۳

مداین ۹۸، ۲۲۰

مرگان ۱۶۲

مراکش ۹۴

مرواس ۲۱۳

مروان ۱۵۱، ۳۳، ۲۹، ۲۳

محمد ۱۵۰، ۱۳۲، ۴۰، ۲۹، ۲۶، ۲۴

۲۱۳، ۲۰۳، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۵۶

محمد علی ۱۰۱

محمود ۱۸۸

مدینه ۲۱۶، ۱۸۶، ۱۴۱، ۳۹، ۱۸

۷۷، ۲۲۰

مسلمه ۱۸۶، ۱۵۱، ۱۱۵، ۹۹

مستعین ۱۸۲، ۱۷۳، ۱۵۶، ۱۴۲

مستنصر ۱۹۷

۳۶، ۳۴، ۲۵، ۲۴، ۱۴، ۱۰، ۴، ۱

۱۰۰، ۹۸، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۴۰، ۳۹

۱۰۹، ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۳، ۱۰۲، ۱۰۱

۱۱۷، ۱۳۸، ۱۱۶، ۱۱۳، ۱۱۲، ۱۱۱

۱۴۸، ۱۴۷، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۱۹، ۸۰

۱۸۵، ۱۸۳، ۱۷۱، ۱۶۸، ۷۷، ۹۴، ۴۹

۲۱۶، ۲۱۵، ۲۱۴، ۲۰۴، ۱۹۶، ۱۹۵

۶۹، ۲۲۱

مطیع ۱۸۹، ۱۴۳

معاویه ۲۴، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶

۱۶۸، ۱۶۴، ۱۰۵، ۹۸، ۲۷، ۲۶

۱۸۵، ۱۸۴

معتز ۱۷۳، ۱۳۳، ۲۰۴

معتضد ۱۴۶، ۸۸، ۸۵، ۱۸۱، ۱۸۶

۱۷۱، ۱۶۵

معزالدوله ۱۸۹، ۱۸۳

	متنصم ۳۵ ، ۴۱ ، ۴۰ ، ۸۱ ، ۸۸
	۱۰۶ ، ۱۱۰ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰
	۱۳۱ ، ۱۳۲
	مغیره ۲۰۵
	مصعب ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۶۰ ، ۱۷۸
	۱۷۹ ، ۲۰۲ ، ۲۰۹ ، ۱۹۱ ، ۱۸۷
	۱۸۶ ، ۱۸۰
	مقتدر ۱۵۸ ، ۱۶۶ ، ۱۸۲ ، ۱۴۲
	۱۸۱ ، ۱۳۳ ، ۱۵۶ ، ۱۹۲
	۱۹۴ ، ۱۸۸ ، ۱۹۵ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳
	۲۱۳
	مغنی ۱۷۰
	منی ۴۰
	مقریزی ۱۷۰ ، ۱۹۶ ، ۲۱۴
	مقطم ۲۲۱
	مقدسی ۱۰۰ ، ۱۰۹ ، ۱۱۳ ، ۱۱۲
	مکتفی ۱۳۳
	مک ، ۱۸۶ ، ۱۹۶ ، ۲۱۸ ، ۷۷ ، ۲۳
	۳۹ ، ۴۰ ، ۱۴۱
	مکران ۵۴
	منصور ۳۷ ، ۳۹ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵
	۹۶ ، ۱۰۵ ، ۱۰۸ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴
	۱۲۵ ، ۱۲۶ ، ۱۲۸ ، ۱۳۳ ، ۱۵۱
	۵۵ ، ۱۵۷ ، ۱۶۲ ، ۱۶۵ ، ۱۷۱
	۱۹۸ ، ۲۰۵ ، ۲۲۴
	موس ۱۳۶
	مونس ۱۲۹
	موصل ۹۲ ، ۹۳ ، ۱۳۹ ، ۶۸ ، ۷۶
	مؤید ۴
	موسی ۱۰۸
	مهدی ۱۳۳ ، ۱۴۶ ، ۱۹۸
	مهدی ۳۹ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۱۰۶
	۱۰۸ ، ۱۲۳ ، ۱۲۶ ، ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۵۵
	۱۶۲ ، ۱۷۱ ، ۱۹۰ ، ۶۵ ، ۲۲۴
ن	
	ناصر ۱۲۷
	نابلثون ۱۱۶
	نهروان ۱۳۵
	نسیم ۲۱۴ ، ۲۱۵
	نیل ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۹۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲
	۱۱۳
	نیشابور ۱۱۴
	نیویورک ۱۵
	واتق ۱۴ ، ۸۶ ، ۱۹۲ ، ۱۲۸ ، ۱۴۵
	۱۰۴ ، ۱۶۴
	وادی القری ۱۷
	واسط ۱۵۳
	وردان ۲۴
	ولید ۳۱ ، ۹۹
ه	
	هادی ۴۴ ، ۱۲۶ ، ۱۳۳ ، ۵۵
	۱۶۳ ، ۱۹۸ ، ۱۲۲
	هاتسبه ۲۴۴
	هاشم ۱۸۵
	هرون ۲ ، ۴۲ ، ۳۹ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۹۶
	۱۱۳ ، ۱۱۶ ، ۱۲۸ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵ ، ۱۴۹
	۱۵۴ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰ ، ۱۶۳
	۱۶۴ ، ۱۷۲ ، ۱۷۵ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹
	۲۰۰ ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ، ۲۱۲ ، ۲۱۳
	هتام ۲۵ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۹۹
	۱۰۲ ، ۱۰۷ ، ۱۴۵
	همدان ۱۳۷ ، ۱۵۲ ، ۶۸ ، ۵۶
	همنده ۱۲۱
	هند ۵ ، ۱۶۹ ، ۲۱۸



ی

یحییٰ ۱۲۶ ، ۱۳۰ ، ۱۲۹ ، ۱۴۵ ،

۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۱۷۰ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ،

۱۹۸ ، ۲۰۰ ، ۲۱۳ ،

بزیدہ ۲۴ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۳۳ ، ۶۶ ، ۱۱۵ ،

۲۱۵

یعقوب ۱۹۶ ، ۲۰۵ ،

یعلیٰ ۱۷ ،

یقطین ۱۵۴ ،

یمن ۲۶ ، ۳۹ ، ۸۰ ، ۷۷ ، ۶۹ ، ۱ ، ۲۰ ،

ینبع ۱۱۲ ،

یوسف ۱۲۳ ،